

متن پرسش

بسمه تعالی «فرهنگ غربی، عدم همراهی با محوریت خانواده» ؛ همجنسگرایی طرحی برای اطفاء غریزه جنسی متناسب با فرهنگ غرب، گویای آن است که خانواده پاسخ گوی اطفاء غریزه نیست؛ فرهنگ غرب شهوتی در جامعه انسانی تعریف کرد که با محوریت قرار دادن آن رو به بی نهایتی پا گذاشت که دیگر هر نوع ارضائی کافی نبود و تنها همجنسگرایی التیام بخش شد؛ چرا که شهوت در همجنس گرایی، عمیقتر، کشنده تر و با حرارت و جاذبه بیشتر محقق می شود. غرب بعنوان یک فرهنگ ضد عقل، فرهنگ شهوت گرا و غضب گرا، بستر طبیعی شهوت که با طبع بشری هماهنگ بود را مضمحل کرد به گونه ای که دیگر ارضا نشد و احساس خمودگی و سرکوبی بدان دست داد. و چارچوب طبع بشری را، از: پوشش های اختصاصی هویت جنسی، سبک کاری، سبک مهرورزی، نوع دانش اندوزی، نوع ارضاء جنسی، سبک خوردن و... به چار چوبی شهوت محور تغییر داد. از طرف مقابل اسلام با طرح محوریت خانواده، عقل را مدیر قرار داد که نه تنها غریزه جنسی بعنوان یک نیاز طبیعی- که با طبع بشری همراه است- پاسخ داده شود، بلکه آن را در مسیر اصل هدف انسانی خرج کند. اساسا خانواده گرایی و همجنس گرایی دو طرح عملیاتی برای دو ایدئولوژی متفاوت هستند؛ خانواده، طرح ارضاء شهوت با مدیریت عقل و همراهی با طبیعت و همجنس گرایی، طرح ارضاء شهوت با مدیریت شهوت! و خانواده گرایی و فرد گرایی در جوامع بشری بعد از به اوج رسیدن غرب، جای خود را به یکدیگر دادند؛ خانواده، که محور اصلی تمام شئون ذکر شده بود -از اطفاء نیروی جنسی تا تنظیم نوع پوشش-، رنگ باخت و فرد گرایی در بستر برون خانواده یا همجنسگرایی شدت یافت. و البته غلبه ی شهوت خلاصه در افراد رنگین کمانی نمی شود و بیش از این را به خود اختصاص می دهد؛ افرادی که: ۱. بهایی برای پدر و مادر، همسر و فرزند کمتر از رفاقت می دهند. ۲. برای سبک زندگی سالم از خوراک و پوشاک و خواب بهایی کمتر از شب گردی و فست فود و لباس هایی که حجاب مناسبی ندارند. اما سوال اینکه: حال راه برون رفت از آن چیست؟ حکم متناسب با زمان و مکان اسلام نسبت به این شهوت افسار گسیخته چیست؟ آیا همچنان که اسلام اگر فردی را که مریض یا مجروح باشد در حکم وضو و نماز تغییراتی ایجاد می نماید، برای مریضی شهوت نوع دیگری از اطفاء را پیشنهاد می کند؟ راه برون رفت از این نوع شهوت چیست؟ آیا باید به اصالت ها بازگشت و یا احکام ثانوی وجود دارد؟ اگر اصل، رجوع به اصالت هاست، در زمان و فرهنگ کنونی برای جلوگیری از قربانی شدن جوامع بشری چه راهکاری وجود دارد؟

باسمه تعالی: سلام علیکم: همچنان که در کتاب «زن، آن‌گونه که باید باشد» عرض شده، جهان غرب معنایی تحت عنوان فمینیسم از زن را به میان آورده که شأن زنان ما و هیچ زنی چنین نیست که البته در آن کتاب در مورد آن بحث شد و وظیفه اهل فکر و اندیشه است که با زبانی نو متذکر گوهر انسانی زن و مادری او بشوند تا روشن گردد گمشده او چیز دیگری است. ما متأسفانه از این جهت در نظام آموزشی خود کوتاهی‌هایی داشته‌ایم به طوری که حتی دختران ما معنای حجاب و جایگاه آن را در نسبت با تعالی انسان متوجه نیستند و این نیاز به شرایطی دارد که با گفتگو و تنها با گفتگو و نه صرف نصیحت، بتوانیم آنان را در کلام خود به تولدی برسانیم که خودشان معنای خود را در دل عفاف و حجاب بیابند و مسلماً اگر با نوعی گفتگو این کار انجام گیرد خودشان بیش از ما مقید به حضوری در جان خود و در هستی هستند که عملاً پیش‌تاز تذکر به عفاف و حجاب خواهند شد. باید به زمانه و نسلی که در این زمانه در میان است عمیق‌تر فکر کرد. «چادر، یا حجاب کامل بدون چادر» در پاسخ به پرسش شماره : ۴۱۸۰۲ مطرح شده، خوب است به آنجا رجوع شود. موفق باشید